



تاریخ و زندگی

• صدیقه اسداله

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

■ سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی
■ فردریش نیچه
■ ترجمه عباس کاشف و ابوتراب سهراب
■ تهران؛ نشر و پژوهش فرزنان روز؛ چاپ سوم، ۱۳۸۵، ۱۳۴ صفحه.

استنباط می‌شود به توضیح فواید و مضرات تاریخ با توجه به شرایط و دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی قرن نوزدهم می‌پردازد. تصور او از انسان بر اساس موجودیت متمایز انسان از حیوان شکل گرفته است و بر این اساس، در قسمت نخست به توضیح درک تاریخی انسان، که به طور ناخواسته مفهوم تاریخ را در تفکر و نگرش انسانی جای می‌دهد پرداخته و درباره نگرش‌های تاریخی و غیرتاریخی که گاه آگاهانه و در مواردی ناآگاهانه است سخن می‌گوید. در قسمت دوم، نیچه به تشریح نگرش‌های افراطی در تاریخ می‌پردازد که تحت تأثیر شرایط سیاسی قرن نوزدهم بوده است و به این ترتیب، پیامدهای حاصل از افراط‌های تاریخی را به عنوان مضرات این نوع نگرش گوشزد می‌کند. نیچه در قسمت سوم، تاریخ را از جذبه‌های موضوعی به سه گونه تقسیم می‌کند.

- ۱- تاریخ عظمت که دستاورد انسان تلاشگر است؛
 - ۲- تاریخ یادوارگی که نوعی نگرش تاریخی تابع سنت میراث‌داری و حاصل میل ذاتی انسان به حفظ دستاوردهای گذشته است؛
 - ۳- تاریخ نقادی، که به نظر وی بدان جهت پدید آمده است که انسان همواره در رنج است و علت رنج خود را در کاستی‌های گذشته جست‌وجو می‌کند، بدان امید که شرایط حال را به نحوی مطلوب تغییر دهد. به نظر می‌رسد که تاریخ عظمت و تاریخ نقادی بیش از هر چیز در نگرش نیچه نسبت به زندگی و تاریخ تعیین‌کننده است.
- در قسمت چهارم، نیچه آگاهی انسان به انواع تاریخ را عامل مهمی در جهت‌بخشی به افکار و عملکرد انسانی می‌داند؛ آنچه

فردریش نیچه از فلاسفه قرن نوزدهم است. او آثاری در موضوعات فلسفه و فلسفه تاریخ به جای نهاد. از جمله کتاب (تولد تراژدی و تأملات نابهنگام چهارگانه) در چهار بخش که بخش دوم آن تحت عنوان سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی در حال حاضر به زبان فارسی به چاپ رسیده است. افکار نیچه بدان جهت حائز اهمیت است که در موضوعات فلسفه تاریخ کوشیده است نگرش تاریخی را به شیوه‌ای علمی تبیین و ارتباط آن را با زندگی انسانی تشریح کند؛ خصوصاً که تأثیر اندیشه‌های او در ادبیات و افکار اروپایی قرن نوزدهم بسیار قابل توجه است و از این جهت می‌توان برای نیچه سهمی برجسته در موضوع تاریخ‌نگری و فواید تاریخ و تبیین علمی آن قائل شد. کتاب حاضر که بخشی از مقالات چهارگانه نیچه در موضوع تولد تراژدی و تأملات نابهنگام چهارگانه است؛ از رهگذر تاریخ‌نگری به تأثیر تاریخ در زندگی به شیوه‌ای استدلالی و تشریحی پرداخته و از متن ترجمه شده انگلیسی به فارسی برگردانیده شده است.

کتاب در ۱۳۰ صفحه تنظیم شده و شامل مقدمه مترجمان فارسی، مقدمه و یادداشت مترجم انگلیسی و دیباچه و متن اصلی مقاله است. در پایان، واژه‌نامه ارائه شده است. متن اصلی در ۱۰ بخش بدون عنوان به توضیح مواردی می‌پردازد که دیدگاه‌های نیچه را درباره فواید و مضرات تاریخ‌نگری انسان به ترتیب تشریح می‌کند. در آغاز کتاب فهرستی از عناوین انگلیسی چاپ شده موجود است که ظاهراً برای تفکیک مطالب ده‌گانه تنظیم شده است. نیچه در این گفتار در ده موضوع مشخص که از مفهوم متن

افکار نیچه بدان جهت حائز اهمیت است که در موضوعات فلسفه تاریخ کوشیده است نگرش تاریخی را به شیوه‌ای علمی تبیین و ارتباط آن را با زندگی انسانی تشریح کند

معرفت تاریخی، فرهنگ و تربیت تاریخی
و اصل تاریخ‌نگری بدان جهت قابل رشد
است که صداقت انسانی، راستی‌نگری و
سعادت‌طلبی مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده
در رفتارهای انسانی است که جریان‌های
اجتماعی - سیاسی را برای تاریخ می‌سازند

حال یا گذشته او پیوند دارد و قانونمندی تاریخی را می‌توان از آن تحصیل کرد. به این ترتیب درک بهتر حال و برنامه‌ریزی آینده نه تنها از رهگذر فرهنگ تاریخی به‌دست می‌آید، بلکه خود در تکامل معرفت تاریخی مؤثر است و این موارد تماماً به نسل‌های بعد انتقال می‌یابد و می‌تواند به عنوان ترتیب تاریخی به خصلتی برای جوامع بدل شود که از مشخصه‌های مللی است که دارای معرفت و فرهنگ تاریخی هستند.

در نهمین قسمت، نیچه با احاطه به وضع جوامع در زمان حال، خود را به عنوان گذشته‌ای برای آینده در شکل تاریخی بررسی می‌کند و به آن می‌پردازد که مردم زمان حال چگونه ایفای نقشی تاریخی را برای آینده دارند و آیا معرفت تاریخی آیندگان نسبت به حال به شرایط فعلی بستگی دارد یا به پاره‌ای عوامل در آینده نیز مربوط است و به تشریح ساختار تاریخی می‌پردازد. در آخرین قسمت، نیچه با توجه به موضوع حال و آینده و اصل قدرت در جوامع زمان خود و بیان جوانی و قهرمانی جوامع، می‌کوشد به تشریح جایگاه قدرت و نمادهای مختلف آن از جمله قدرت سیاسی، قدرت مذهب و افکار اجتماعی به عنوان ارکان تعیین‌کننده در زمان حال و گذشته بپردازد و نقش هر یک را در ساختار تاریخی برای زمان حال و تاریخی که حال به آیندگان عرضه می‌کند تشریح نماید تا شاید خواننده با درک تفاوت این دو دریابد که معرفت تاریخی، فرهنگ و تربیت تاریخی و اصل تاریخ‌نگری بدان جهت قابل رشد است که صداقت انسانی، راستی‌نگری و سعادت‌طلبی مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده در رفتارهای انسانی است که جریان‌های اجتماعی - سیاسی را برای تاریخ می‌سازند و به این ترتیب نیچه به بهره‌برداری سود انسان از تاریخ تأکید می‌ورزد.

را که او معرفت تاریخی می‌نامد در واقع پدید آورنده جریان حوادث زندگی انسان است.

در قسمت پنجم، به تشریح مضرات افراطی تاریخی می‌پردازد و مستقیماً آن را در رهگذر تاریخ عظمت، تاریخ یادوارگی و تاریخ نقاد بررسی می‌کند و بر این اساس، به بیان اندیشه‌هایی می‌پردازد که نزد انسان شکل می‌گیرد و بیش از هر چیز به هدفی توجه دارد که نباید هیچ چیز مانع تحقق آن باشد. روند فکری که می‌توانست در رویدادهای قرن نوزدهم و بیستم تعیین‌کننده باشد، خصوصاً که تاریخ عظمت را عظیم‌تر از آنچه بود جلوه می‌داد.

در ششمین بخش، نیچه به توضیح اهمیت عینیت و رعایت آن در مطالعات تاریخی می‌پردازد و می‌کوشد آن را با مفهوم عدالت تاریخی پیوند دهد؛ ارائه مفهوم عینیت که نوعی واقع‌گرایی در مطالعات تاریخی را گوشزد می‌کند. به عقیده او، نه تنها از نظر معرفت تاریخی، اسباب و علل آن (اسناد و مدارک) تحصیل می‌شود؛ بلکه احاطه انسان را بر موضوع تاریخ با امکان قضاوت در تاریخ همراه می‌سازد و بر این اساس، نیچه به موجب اصل عینیت رعایت عدالت در نگرش تاریخی و قضاوت مربوط به آن را متذکر می‌شود. اما در بیان و فرع تاریخ‌نگری به قضاوت فردی و خواسته‌های انسانی که معمولاً در این متن با عنوان مرد عمل از او یاد می‌شود بستگی دارد. آنچه را نیچه عدالت تاریخی می‌گوید می‌توان با مفهوم حقیقت تاریخی که احاطه هر چه واقعی‌تر به تاریخ است و امکان قضاوت بهتر را ایجاد می‌نماید، مربوط دانست.

در هفتمین قسمت، نیچه به رشد دیدگاه‌های تازه‌ای در جوامع انسانی نظر دارد که با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی مستقیماً احساس تاریخی را بسط می‌دهد و به نوعی تاریخ را بر جریان‌های مذکور محاط و مؤثر می‌داند. این احساس تاریخی می‌تواند سازنده یا مخرب باشد و نه تنها با افراط تاریخی مربوط است بلکه در قضاوت تاریخی نیز تأثیرگذار خواهد بود و از این نظر، پیامدهای منفی را تقویت می‌کند.

در هشتمین قسمت، با بیان موضوع فرهنگی تاریخی که خود می‌تواند منبعث از احساس تاریخی باشد، به بیان این مطلب نظر دارد که احساس تاریخی آن در دیدگاه انسان همه اجزا با حوادث